

ارتباطات در خدمت جنگ روانی

پرمحتوای مطالعاتی را یافته‌است. انقلاب اسلامی ایران از جنبه مجاری ارتباطی خود و به ویژه از جنبه زیر ساخت‌های ارتباطی خود حالا یک آزمایشگاه بزرگ است که درسهای بیشماری را برای فراگیری در خود دارد درسهایی که جهان در آستانه کسب آنهاست:

چه درسی باید از انقلاب ایران در ارتباط با نقش تکنولوژی ارتباطی در جهان سوم گرفت؟ باید توجه بیشتری به روابط میان فردی و به رسانه‌های کوچک نظیر ضبط صوت و اعلامیه‌های زیراکسی که دست به دست می‌چرخند، مبذول داشت، چراکه نهایتاً این مردم هستند که می‌توانند یکدیگر را به کشش در ابعاد گسترده وادارند. چراکه در حالی که آیت‌الله خمینی رسانه‌های قدرتمندتر جمعی نظیر رادیو، تلویزیون، امواج مایکرو و ماهواره‌های ارتباطی را بر خلاف شاه در دست نداشت، اما از تکنولوژی‌های ارتباطی بهترین استفاده را کرد.^۱

ملی، امنیت ملی، و جهت ملی و کسب قدرت صورت گرفته‌است اما از این واقعیت مهمتر، درک این نکته است که امروز روابط بین‌الملل حکم بند ناف را برای تغذیه هر ملت دارد. من در این نوشتار ارتباطات را و مسلح شدن به یک نگرش ارتباطی را اصلی‌ترین حافظ آن بند ناف برای حفظ حیات ملت‌مان می‌دانم. ملتی که با انقلاب بزرگ و بی‌سابقه‌ای به نام انقلاب اسلامی به یک الگوی انقلابی بی‌بدیل جهانی تبدیل شده و در عین حال برای اندیشمندان و نظریه‌پردازان جهان نیز حکم یک الگوی

جنگ روانی بارها و بارها مورد بحث قرار گرفته‌است و همواره در چارچوب روابط بین‌الملل برای طراحان سیاستها و اندیشمندان نظامی از جایگاه مهمی برخوردار بوده‌است. جنگ روانی از این جنبه که در زنجیره ایجاد، اعمال، افزایش و زوال قدرت نقش تعیین‌کننده‌ای داشته، همواره در کانون توجهات دولتها قرار داشته‌است.

این یک واقعیت است که تجزیه و تحلیل مسائل بین‌المللی از جنبه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی برای دولتها همیشه با انگیزه حفظ تمامیت ارضی، رفاه

یونس شکرخواه

این اظهارات از آن، اورت ام. راجرز یکی از پیشتاژان اندیشه نوآوری در غرب است. او شرط نوآوری را کنترل پیام‌ها و در عین حال بهره‌گیری از کارگزاران ارتباطی می‌داند. طبعاً منظور راجرز از نوآوری روشن است. نوآوری مورد نظر او چیزی جز «مدرنیسم» به مفهوم غربی نیست. راجرز پیرو اندیشه‌های دانیل لرنر است و دانیل لرنر، نظریه‌پرداز امریکایی، یکی از معماران نوسازی برای رژیم پهلوی بود و آن‌گونه که گفته می‌شود به اصطلاح «انقلاب سفید» شاه محصول مقدمه یک کتاب لرنر به نام گذر از جامعه سنتی، نوسازی خاورمیانه است.^۲

در ایران، آیت‌الله خمینی، نفرت طبقاتی و خشم ملی‌گرایانه را با شور مذهبی درآمیخت. عشق الله + نفرت از امپریالیسم + مخالفت با سرمایه‌داری = انقلابی که خاورمیانه را به کانون بالقوه درگیری و جنگ تبدیل ساخت.

اما آیت‌الله خمینی به کاری بیش از ترکیب این سه عنصر در یک حرکت پرشور و واحد دست زد. وی همچنین رسانه موج اول - یعنی موعظه‌های چهره به چهره روحانیون برای مؤمنان - را با تکنولوژی موج سوم ترکیب کرد - نوارهای صوتی حاوی پیامهای سیاسی که در مساجد به طور مخفی توزیع می‌گردید و در همانجا پخش می‌شد و به کمک دستگاههای ارزان قیمت تکثیر می‌گردید.

شاه برای مقابله با آیت‌الله خمینی از رسانه‌های موج دوم یعنی مطبوعات و رادیو و تلویزیون استفاده می‌کرد. به محض آنکه آیت‌الله خمینی توانست شاه را سرنگون کند و کنترل دولت را در دست بگیرد، فرماندهی این رسانه‌های متمرکز موج دومی را نیز در اختیار گرفت.^۳

این ارزیابی متعلق به الوین تافلر نظریه‌پرداز سرشناس معاصر امریکاست. الوین تافلر معتقد است در بحرانهای سیاسی آینده در جهان تاکتیکهای اطلاعاتی حرف اول را خواهد زد. او معتقد است که محور مانورهای قدرت در آینده راهمین تاکتیکهای اطلاعاتی شکل خواهد داد و این تاکتیکها چیزی نیست جز «قدرت دستکاری در اطلاعات» که بخش عمده آن نیز حتی پیش از آنکه این اطلاعات به رسانه‌ها برسد، انجام خواهد شد. از دیدگاه او عرصه نبرد فردا را

*** از دیدگاه «الوین تافلر»، عرصه نبرد فردا را گستره فرستنده‌ها، رسانه‌ها، پیام‌گیران و پیام‌سازان شکل می‌دهد.**

*** هدفهای جنگ روانی عبارتند از: تضعیف اراده جنگیدن دشمن یا دشمن بالقوه، در جهت تقویت اراده مردم خود یا مردم متحدان خود و یا نیل به اهداف دیپلماتیک.**

منظور استفاده از همان شیوه‌های دکتر گوبلز عنصر تبلیغاتگر هیتلر است. اجازه بدهید پس از این مقدمه متمرکز بر نقش ارتباطات، حالا به یک تعریف آکادمیک از جنگ روانی (Psychological war) بپردازیم:

اجرای فعالیتهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی طی جنگ یا جنگ سرد، برای تحت تأثیر قرار دادن افکار و اعمال، اصلی‌ترین هدفهای جنگ روانی عبارتند از تضعیف اراده جنگیدن دشمن یا دشمن بالقوه، در جهت تقویت اراده مردم خود یا مردم متحدان خود و یا نیل به اهداف دیپلماتیک. جنگ روانی عمدتاً از طریق تبلیغ یا حرکت ایده‌نولوژیک که مبتنی بر استراتژیها و تاکتیکهای دقیق معطوف به اهداف مشخص است، هدایت و راهبری می‌شود. سلاجهایی که در جنگ روانی به کار می‌روند عبارتند از: رادیو، تلویزیون، فیلم، گردهماییهای عمومی، تظاهرات، شمارها، پوسترها، کتابها، روزنامه‌ها و مجلات، کنفرانسهای خبری و سایر ابزارهایی که بر تفکر و عواطف نخبگان فکری و یا عامه مردم تأثیر می‌گذارد. می‌توان جنگ روانی را در سطوح محدودتر و پیچیده‌تر برای گمراه ساختن سیاست‌گذاران و فرماندهان نظامی به کار گرفت.^۵

گستره فرستنده‌ها، رسانه‌ها، پیام‌گیران و پیام‌سازان شکل می‌دهد. تافلر در عین حال برخی از تاکتیکهای این نبرد را که امروز دوران جنینی خود را سپری کرده معرفی کرده است:^۴

تاکتیک حذف (Omission Tactic) که کاملاً روشن است و بر حذف کردن پاره‌ای از اطلاعات استوار است.

تاکتیک کلی‌بافی (Generality Tactic) که در این تاکتیک به جزئیات لعاب زده می‌شود. بیانیه‌های دیپلماتیک شکل بارز این تاکتیکهاست.

تاکتیک زمان‌بندی (Timing Tactic) که معمول‌ترین آنها تأخیر در پخش پیام است، تا «پیام‌گیر» زمین‌گیر شود.

تاکتیک قطره‌چکانی (The Dribble Tactic) که داده‌ها به جای آنکه در یک سند ارائه شوند، در زمانهای گوناگون به مقدار کم پخش می‌شوند.

تاکتیک تبخیر (The Vapor Tactic) که در اینجا شایعه پخش می‌شود تا مخاطب سردرگم شود.

تاکتیک بازگشتی (Blow-Back) که ساختن دروغ برای آزمودن حریف است.

تاکتیک دروغ بزرگ (The Big Lie) که



* گلوله‌های وسایل ارتباطی بسیار مرگبارتر از گلوله‌های سلاحهای جنگی است. امریکا با اسلحه‌ای به نام رادیو اروپای آزاد، اقمار شوروی سابق را در اروپا هدف گرفت و با سلاحی دیگر به نام رادیو آزادی به کرملین و سپس به کوبا با اسلحه رادیو مارتی، یورش برد.

* تکنولوژی ارتباطی این امکان را به بازیگران عرصه روابط بین‌المللی داده است تا میدان مانور خود را از حیطه ملی تا دورترین سطح بین‌المللی گسترش دهند و از طریق این نبرد ارتباطی، منافع ملی خود را تأمین کنند.

قیاس با نبردهای نظامی، بسیار گسترده‌تر ساخته‌است. به عبارت بهتر، گلوله‌های وسایل ارتباطی بسیار مرگبارتر از گلوله‌های سلاحهای جنگی است. امریکا با اسلحه‌ای به نام رادیو اروپای آزاد (Free Europe) اقمار شوروی سابق را در اروپا هدف گرفت و با سلاحی دیگر به نام رادیو آزادی (Radio Liberty) به کرملین و سپس به کوبا با اسلحه رادیو مارتی (Radio Marti) و بعد از آن هم دوباره به کوبا با سلاح مهلک‌تری به نام تلویزیون مارتی یورش برد. مجوز شلیک همه این سلاحها را کانگره آمریکا داده‌بود و مجری آن رادیو صدای آمریکا (Voice of America) بود.

بی‌تردید تکنولوژی ارتباطی حالا یکی از ابزارهای اساسی سیاست خارجی است. با این تکنولوژی می‌توان به سرعت وارد محیط سیاسی دولتها شد و آن را به نفع خود تغییر داد. تکنولوژی ارتباطی این امکان را به بازیگران عرصه روابط بین‌المللی داده است تا میدان مانور خود را از حیطه ملی تا دورترین سطح بین‌المللی گسترش دهند و از

برای آنکه تبلیغ مؤثر واقع شود باید به مخاطبان مربوط و ضمناً برایشان معتبر باشد، غالباً تکرار شود، ساده، پیوسته و جذاب باشد و با یک موقعیت ملی یا منطقه‌ای قابل تشخیص باشد و طوری عمل کند که برای مخاطب مشخص نشود که تبلیغ است. تبلیغ ممکن است در شکل توسل به ایده‌آلیسم جلوه‌گر شود، ممکن است واقعی باشد، اما از طریق انتخابهای دقیق، تحریف شده‌باشد و یا ممکن است بر اشتباه‌های صریح استوار شده‌باشد.

فعالیت‌های تبلیغی، ابزارهای جنگ روانی هستند و کنشهای نوع بشر را برای انطباق با منافع دولت فرستنده تعقیب می‌کنند.^۶

بنابراین، اگر فعالیتهای تبلیغی ابزار جنگ روانی هستند، آیا ماهیت و کاربرد این ابزار را می‌شناسیم؟ آیا در سطح جهانی همه به یک نسبت از این ابزار برخوردارند؟ آیا همگان فنون کاربرد این ابزار را هم می‌دانند؟

انقلاب تکنولوژیک در ارتباطات اجتماعی باعث شده‌است که دسترسی به افکار میلیونها انسان و تأثیرگذاری بر آنها تسهیل شود و همین سهولت دسترسی است که میزان تلفات را در این جنگ ارتباطی، در

اگر این تعریف را بشکافیم می‌توانیم بگوییم هدف جنگ روانی، پیروزی بر قلبها و فکرهاست. جنگ روانی می‌خواهد در اذهان مخاطبان خود نوعی رفتار و اندیشه کلیشه‌ای ایجاد کند و باور یک فرد را نسبت به یک نظام ارزشی تخریب کند. کاملاً بدیهی است که این پیروزی بسیار بادوامتر از کسب یک قطعه زمین است.

حالا برای اینکه به مفاهیم ارتباطی و به عبارت بهتر به نقش متحول ابزار و رسانه‌های جمعی پیشرفته نزدیکتر شویم، از تعریف «جنگ روانی» به تعریف از تبلیغ (Propaganda) می‌رسیم:

هر نوع ارتباط به منظور نشان دادن داده‌ها، ایده‌ها و یا انگاره‌ها در اذهان بشری برای تأثیرگذاری بر افکار، عواطف و یا کنشهای فردی یا گروهی. اهداف تبلیغ عبارتند از:

۱. کسب حمایت دوستانه و یا تقویت آن؛
۲. شکل دمی یا تغییر نگرشها و یا طرز تلقیها نسبت به ایده‌ها و رخ داده‌ها؛
۳. تضعیف و یا به تحلیل بردن دولتهای خارجی غیردوست، یا تضعیف برنامه‌ها و سیاستهای آنها؛
۴. مقابله با تبلیغات خصمانه سایر گروهها و یا کشورها.

طریق این نبرد ارتباطی، منافع ملی خود را تأمین کنند. برخلاف گذشته که شبکه رسمی ارتباطات بین‌المللی هر دولت را شمار سفارتخانه‌ها و دیپلماتهای آن دولت تشکیل می‌داد، امروز هر پیام که از مرزهای ملی به سطوح بین‌المللی ارسال می‌شود، حکم یک سفیر پر قدرت نامرئی را دارد. این سفیر که همه راههای صعب‌العبور را در ثانیه‌ها می‌پیماید، موربان‌وار علائق و منافع رقیب را تخریب می‌کند و این امر به معنای افزایش قدرت دولت فرستنده پیام است. امروز این سفیر کوچک آمده‌است تا مفاهیم بزرگ و در عین حال گنگ روابط بین‌الملل را روشن سازد. داشتن اطلاعات و شبکه ارتباطی، مقولات آگاهی و اراده سیاسی را روشن‌تر می‌سازد. ارزیابی توان، وزن و اراده سیاسی نظامها همواره از مقولات پیچیده برای دیپلماتها به شمار می‌رفته‌است، اما حالا ارتباطات دارد این توان و اراده را بسیار آسان اندازه می‌گیرد. انگار ما وارد مرحله‌ای شده‌ایم که دوره انطباق وضعیت فراملی ارتباطات بر روابط بین‌المللی است، جهان وارد مرحله‌ای شده‌است که در آن انگار سازی (image making) و برجسته‌سازی (agenda setting) حرف اول را می‌زند. وسایل ارتباط جمعی در جهان امروز، جهانهای ذهنی و غیر واقعی را به دنیا مخابره می‌کنند و تعیین می‌کنند که مثلاً مردم دنیا امروز به کودتا در فیلیپین و فردا به لایه اوژن و روز بعد به ایدز و هفته بعد به موضوع دیگری فکر کنند و همه این دستور جلسه‌ها از سوی کسانی برای مردم دنیا تعیین می‌شود که کنترل خبرگزاریها و رسانه‌های بین‌المللی را در دست دارند. نقش خبرگزاریها به طور مشخص در چهارچوب همین انگار سازیها و برجسته‌سازیها معنای واقعی خود را می‌یابد:

آسوشیتد پرس ۱۷ میلیون واژه، یونایتد پرس ۱۱ میلیون واژه، فرانس پرس ۳ میلیون و ۳۵۰ هزار واژه و رویتر یک میلیون و ۵۰۰ هزار واژه در روز به جهان مخابره می‌کنند.^۷

به عبارت دقیق، این چهار غول روزانه ۳۲ میلیون و ۸۵۰ هزار واژه را خدنگ‌وار به جهان شلیک می‌کنند و افزون بر این، در

عرضه تصویر نیز وضع به همین منوال است. به گوشه‌ای از تحقیق دالگرن در این زمینه نظر می‌افکنیم:

بر اساس انگار سازیهای متراکمی که گزارشهای شبکه‌های خبری تلویزیونی ایجاد می‌کنند، بی‌نظمی و نابسامانی در جهان سوم ابدی جلوه می‌کند. این خشونت یک خشونت ویژه، آشکار، پرهیاهو و غالباً غیرمنطقی است. ضرب در این گزارشها طرفدار منطق است... فساد در جهان سوم سیستماتیک است و با نقض حقوق بشر نیز با خصیصه مشابهی برخورد می‌شود. در اکثر گزارشها بدویت به طور ضمنی ارائه شده و در برخی موارد نسبتاً به طور صریح تصویر می‌شود... گزارشهای مربوط به جهان سوم شکل خاصی از حقیقت را به بیننده ارائه می‌کنند، یک حقیقت صوری از یک حقیقت محض.^۸

و یا نقطه نظرات هربرت شیلر، پژوهشگر منتقد آمریکایی، که بیش از سه دهه در قلمرو مقولاتی چون رادیو، تلویزیون، تبلیغات و ارتباطات ماهواره‌ای، صنایع کامپیوتر و سازمانهای فراملی تحقیق کرده‌است، در این زمینه قابل توجه است. او که پیشتر از انتقاد از فرآورده‌های رسانه‌های غربی در جهان سوم و طلایه‌دار روشن‌سازی مفاهیمی چون امپریالیسم فرهنگی و رسانه‌ای است، معتقد است سیستم جهانی کنونی جریانهای تلویزیونی توسط تولیدکنندگان حاکم بر برنامه‌های تلویزیونی غربی و به ویژه توسط آمریکا شکل گرفته و هدف آن حفظ شرایط کنونی جهانی است.^۹

متأسفانه در عرضه ماهواره‌ها نیز وضعیت به همین منوال است. مجادله موجود در زمینه ماهواره‌ها بیشتر بر دو جنبه متمرکز شده‌است:

جنبه اول: جریان آزاد اطلاعات (free flow of information)

جریان آزاد اطلاعات در حال حاضر به صورت یک حق غیر قابل نقض، عمدتاً از سوی غربیها، مطرح شده‌است. این آزادی دو فکتو (de facto freedom) در پی مباحث معروف به کنترل جریان اطلاعات چهره نمود و پس از جنگ جهانی دوم به عنوان یک اصل تصویب شد:

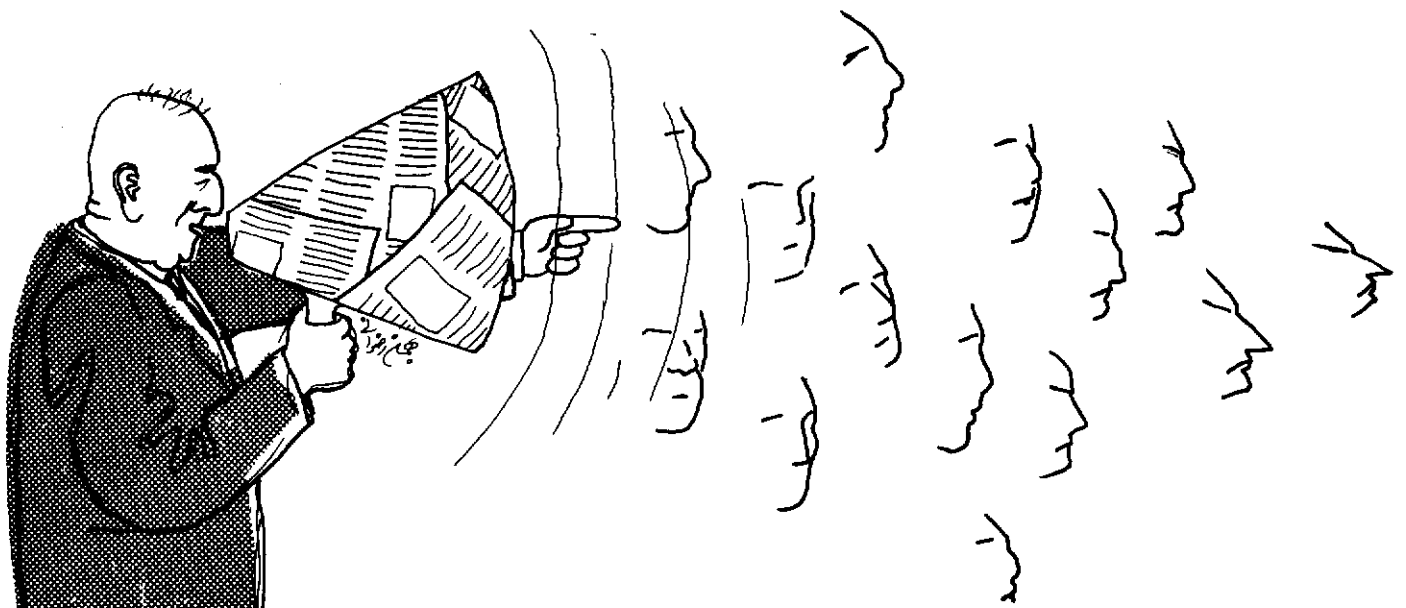
از سال ۱۹۴۸ که با زمینه‌سازی قبلی و پشتیبانی مستقیم آمریکا، کنفرانس

بین‌المللی سازمان ملل متحد درباره آزادی اطلاعات در ماههای مارس و آوریل آن سال در ژنو برگزار گردید و اعلامیه جهانی حقوق بشر در مجمع عمومی ملل متحد در دهم ماه دسامبر همان سال به تصویب رسید، بر اساس ماده ۱۹ این اعلامیه درباره آزادی اطلاعات، نظم بین‌المللی حاکم بر ارتباطات جهانی، بر مبنای جریان آزاد اطلاعات گذاشته شد.^{۱۰}

امریکاییها با طرح نظریه جریان آزاد اطلاعات یک هدف اصلی را تعقیب می‌کردند و آن گسترش سلطه کاخ سفید در سطح جهانی بود. آنها با طرح این نظریه در پی آن بودند تا حاکمیت ملی سایر کشورها را از طریق تهاجمهای نوشتاری، صوتی و تصویری خدشه‌دار کنند و به همین دلیل هم بود که جهان سومی‌ها و بلوک شرق سابق و همچنین فرانسه به مخالفت با این نظریه پرداختند. اما این نظریه که سالها مقاومت کرد، بالاخره با تلاشهای جهان سومی‌ها، غیرمتمعهدها و بلوک شرق به خروج آمریکا از یونسکو - که مجری همین نظریه جریان آزاد اطلاعات بود - انجامید. ولی متأسفانه مجدداً در دوران فدریکو مایور دبیرکل فعلی یونسکو ظاهراً تلاشهای دهه هفتاد محققان در یونسکو که همه علیه سلطان جریان آزاد اطلاعات بود در حال حذف کامل است.

جنبه دوم: حاکمیت ملی

اگرچه حالا اصل حمایت از جریان آزاد اطلاعات کماکان مطرح است، اما از دیگر سواصل حمایت از حاکمیت ملی هم مطرح است و در حقیقت اساس قانونهای بین‌المللی به شمار می‌آید و تضاد بین همین دو اصل است که به یک محور مناقشه‌آمیز در سطح بین‌المللی تبدیل شده‌است. ناظران روابط بین‌المللی معتقدند جریان آزاد اطلاعات و در واقع بمباران ماهواره‌ای و رادیویی بلوک شرق سابق از سوی آمریکا، یک پایه اصلی در فروپاشی کمونیسم به حساب می‌آید و همچنین صاحب‌نظران ارتباطات نیز امروز جریان آزاد اطلاعات را یک اهرم قوی مداخله‌گر آمریکا به حساب می‌آورند. آنها می‌گویند آمریکا از همان زمانی که واشینگتن در نخستین اصلاحیه قانون اساسی ۱۷۹۱ آمریکا این نکته را گنجانده که کنگره ایالات متحده آمریکا



مطرح کرد که با ۱۰۷ رأی موافق، ۱۳ رأی مخالف (عمدتاً کشورهای غربی) و ۱۳ رأی ممتنع پذیرفته شد.^{۱۱}

علت مخالفت غربی‌ها کاملاً روشن بود. آنها با هیچ اصلی که بر جریان اطلاعات حاکم شود نمی‌توانند موافق باشند، چون از جنبه سخت افزاری و حتی نرم افزاری در حال حاضر دست بالا را دارند و به دیگر سخن در این جریان نابرابر و نامتعادل اطلاعاتی و ارتباطی فعلاً حرف اول را آنها می‌زنند و حفظ شکاف اطلاعاتی ناشی از وضع موجود، به نفع آنهاست. بهتر است در اینجا صرفاً به نقش شبکه تلویزیونی سی‌ان‌ان (C.N.N) نگاهی بیندازیم:

۶۰ درصد از ۹۲ میلیون آمریکایی صاحب تلویزیون، مشترک «سی.ان.ان» هستند، ۶ میلیون خانه در سطح جهان از طریق ماهواره به سی.ان.ان متصل هستند، ۱۲۰ دستگاه تلویزیونی در سطح جهانی از سی.ان.ان تغذیه می‌شوند، ۲۵۰ هزار از اتاقهای هتل‌های جهان به سی.ان.ان وصل است. ضمن آنکه حالا در هر کجای جهان فقط یک آنتن بشقابی می‌تواند همه را به زیر چتر سی.ان.ان ببرد.^{۱۲}

جنگ خلیج فارس

رسانه‌ها در جهان امروز مجریان اصلی جنگهای روانی هستند. این جنگ هر روز جاری است. اوج هنرنمایی در این نوع جنگ در جریان جنگ آمریکا و متحدانش علیه عراق در ماجرای اشغال کویت بود. مایکل دیوور (Michael Deaver) مسئول

نمی‌تواند قانونی وضع کند که آزادی بیان و مطبوعات را محدود کند و همچنین از زمانی که در ماده نوزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر به پشتیبانی آمریکا و علی‌رغم مخالفت بلوک شرق این نکته گنجانده شد که کسب اطلاعات و اخبار و انتشار آن باید بدون ملاحظات مرزی باشد، آمریکا به فکر مداخله‌گری از طریق ابزارهای ارتباطی و براندازی حاکمیت‌های مخالف خود بوده‌است. و وقتی نظریه نظم نوین جهانی ارتباطی و اطلاعاتی علیه نظریه جریان آزاد اطلاعات از سوی جنوبی‌ها مطرح شد، آمریکا در اعتراض به آن از یونسکو خارج شد و کمکهای خود را از این نهاد دریغ کرد. اعم خواسته‌های جنوبی‌ها در طرح نظریه نظم نوین جهانی ارتباطی و اطلاعاتی، تعادل در اختصاص فرکانس‌های رادیویی و حمایت در برابر پخش مستقیم ماهواره‌ای بود و در حقیقت این خواسته‌ها تغییراتی زیرساختی، حقوقی، قانونی و رویه‌ای را در سطح جهانی طلب می‌کند و این امر به ویژه در مورد پخش مستقیم تلویزیونی از طریق ماهواره‌ها صدق می‌کند:

پخش مستقیم تلویزیونی به انتقال تصاویر تلویزیونی از طریق ماهواره به طور مستقیم به آنتن‌های بشقابی متصل به گیرنده‌ها اطلاق می‌شود. قوانین بین‌المللی در این زمینه نامطمئن است و در آمیزه‌ای از مسائل بحث‌انگیز تکنولوژیک، حقوقی و سیاسی پیچیده شده‌است... مجمع عمومی سازمان ملل در سی و هفتمین اجلاس خود (۸۳ - ۱۹۸۲) قطعنامه‌ای درباره اصول حاکم بر استفاده از ماهواره‌ها برای پخش تلویزیونی

انکاره‌سازی در کابینه ریگان در اشاره به این جنگ گفت:

صحنه اصلی عملیات برای جنگ اطلاعاتی ما ابتدا تلویزیون و در مرحله دوم رسانه‌های نوشتاری بود که این جبهه را توانستیم بخوبی کنترل کنیم.^{۱۳}

و یا به این اظهارنظر باب سیپچن (Bob Sipschen) گزارشگر نیوزویک دقت کنید:

طوفان صحرا، در واقع دو جنگ بود: جنگ متحانین علیه عراق و جنگ نظامیان علیه مطبوعات.^{۱۴}

در این جنگ رسانه‌های غربی با ایجاد سانسور کامل به انکاره‌سازی پرداختند و در طول جنگ به نحوی عمل کردند که انگار مردم شاهد یک بازی کامپیوتری هستند. امریکاییهای شکست‌ناپذیر، بی‌آنکه خونی از دماغ حتی یک سرباز آنها جاری شود!

است. مصاحبه با پرسنل و یا تصویربرداری از آنها در حالی که تحت روان‌درمانی هستند غیرمجاز است.^{۱۶}

البته این اظهارات فقط بخشی از واقعیت بوده‌است و دستورالعمل‌های اصلی در جلسات پنهانی سردبیران و نظامیان و سیاست‌سازان کاخ سفید رد و بدل شده‌است. جنگ خلیج فارس مورد ویژه‌ای نبوده‌است، فقط از حساسیت بیشتری برای غرب برخوردار بوده‌است.

پس انگاره‌سازی به همان سیاق سابق در اینجا نیز دنبال شده‌است:

اینکه خبر چیست بارها از سوی دانشجویان ارتباطات جمعی مورد بحث قرار گرفته‌است. ولی «کنشهای قدرت‌های بزرگ» غالباً از ارزش خبری برخوردار شده و از دیگر سو کشورهای «پیرامون» (جهان سوم) هیچ‌گاه به طور مشخص از جنبه خبری مورد توجه قرار نگرفته‌اند.^{۱۷}

یک حقیقت

این یک حقیقت است ما وارد عصر انقلاب ارتباطات شده‌ایم. به این نکته دقت کنید:

تولید کالاها الکترونیک - بدون احتساب کشورهای عضو بلوک شرق سابق - در سال ۱۹۹۰ به ۹۰۴ میلیارد دلار آمریکا بالغ شد و این رقم در سال ۱۹۹۲ برابر با ۱۰۰۰ میلیارد دلار بوده‌است... ضمناً تا سال ۲۰۰۰ دو نفر از هر سه نفر در دنیا از محصولات و خدمات ارتباطی استفاده خواهند کرد.^{۱۸}

اما این انقلاب ارتباطی یعنی چه؟ آیا باید از این انقلاب بهراسیم؟ غرب در ادامه جنگ ارتباطی خود که اوج جنگ روانی است، می‌خواهد در این زمینه ما را فریب دهد. انقلاب ارتباطی در جنبه سخت‌افزارین خود به وقوع پیوسته‌است، اما تلاش غرب و به ویژه آمریکا بر این نکته متمرکز شده که گسترش تکنولوژی، نوآوری سیستماتیک و سرعت انتقال پیامها را که جنبه تکنولوژیک ارتباطات است با جنبه انسانی ارتباطات به شکلی گنگ مخلوط کند. انقلاب اصلی ارتباطات هنوز در راه است. این انقلاب در جنبه انسانی ارتباطات رخ خواهد داد. انقلابی که ما اکنون با آن سر و کار داریم در جنبه تکنولوژیک ارتباطات به وقوع پیوسته

* انقلاب ارتباطی در جنبه سخت‌افزارین خود به وقوع پیوسته است. اما تلاش غرب و به ویژه آمریکا بر این نکته متمرکز شده‌است که گسترش تکنولوژی، نوآوری سیستماتیک و سرعت انتقال پیامها را که جنبه تکنولوژیک ارتباطات است با جنبه انسانی ارتباطات به شکلی گنگ مخلوط کند. انقلاب اصلی ارتباطات هنوز در راه است این انقلاب در جنبه انسانی ارتباطات رخ خواهد داد.

مراکز مهم عراق را نابود می‌کردند و ضمناً حتی یک غیرنظامی عراقی هم آسیب نمی‌دید! و این همه صرفاً به سبب کارکردهای ارتباطی و اطلاعاتی محافل غربی میسر شد:

وقتی قریب به ۲ میلیون سرباز، ده هزار تانک، بیش از ۵۰۰۰ عراده توپ، ۳۹۰۰ هواپیمای جنگنده، ۱۸۰۰ هلی‌کوپتر و ۱۷۵ رزمناو آماده شروع جنگ در خلیج فارس بود، جورج بوش رئیس جمهوری آمریکا به کنگره این کشور گفت... این جنگ عادلانه است و مسائل اخلاقی در نظر گرفته شده و موضوع صرفاً جنگ سپیدی علیه سیاهی و خوبی علیه شرارت است... ما آماده‌ایم تا برای دفاع از نظم نوین جهانی دست به اعمال زور بزنیم.^{۱۹}

و سپس این رسانه‌های مدافع جریان آزاد اطلاعات بودند که در پردازش این تصویر برای جهانیان وارد عمل شدند و به ویژه رادیو صدای آمریکا با ۴۲ زبان برای ۱۳۰ میلیون شنونده. آنها حتی با صراحت نوشتند که:

ضبط دیداری یا شنیداری موقعیت پرسنل هنگامی که در حالت اضطراب یا شوک شدید هستند مجاز نیست. تصویربرداری از مجروحان در حالی که تغییر شکل یافته و یا تحت عمل جراحی پلاستیک هستند ممنوع

است. انسانها به روابط متقابل نیاز دارند، اما این روابط متقابل باید رضایت‌بخش باشد، نه اینکه شکل تهاجم فرهنگی به خود بگیرد. غرب در حال حاضر از جنبه تکنولوژیک ارتباطات با همین نیت تهاجم فرهنگی استفاده می‌کند تا انقلاب دوم یعنی انقلاب در عرصه انسانی ارتباطات رخ ندهد. غرب می‌خواهد با یکپارچه‌سازی فرهنگی از طریق وسایل ارتباطی همین تعریف خود را از انقلاب ارتباطی حفظ کند. حال آنکه انقلاب ارتباطی را باید از جنبه انسانی تعریف کرد.

پی‌نوئیسها:

1. Everett M. Rogers. "Small Media for a Big Revolution." *Communication Technology, the New Media in Society*. The Free Press, New York, 1988. Collier Macmillan Publishers, London. P. 245.
۲. برای آشنایی با اندیشه‌های «دانیل لرنر» رجوع کنید به: دکتر کاظم معتمدزاد، «جهان سوم در برابر سلطه ارتباطی و اطلاعاتی غرب»، رسانه. بهار ۱۳۷۰. شماره پنجم. صفحات ۱۲ تا ۲۵.
۳. الون تافلر. «جایگاه قدرت، دناهی و ثروت و خشونت در آستانه قرن بیست و یکم». ترجمه شهیندخت خوارزمی. جلد دوم (سیاست). صفحه ۶۰۸. ناشر: مترجم. ۱۳۷۰.
۴. پیشین. صفحات ۲۷۱. ۲۶۹. تکنیکهای مورد بحث به طور کامل در بخش ۲۲ منبع مذکور آورده شده‌است.
5. Jack C. Plano and Roy Olton, *The International Relations Dictionary*. Fourth Edition 1988. Longman. P. 210.
6. op. cit. pp. 82-83.
۷. دکتر حمید مولانا. جریان بین‌المللی اطلاعات، گزارش و تحلیل جهانی. ترجمه بونس شکرخواه. مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. بهار ۷۱. صفحه ۲۷.
۸. پیشین. صفحات ۸۲ و ۸۳.
۹. برای اطلاع از آرای شیلر در این باره رجوع کنید به: Herbert I. Schiller, *Communication and Cultural Domination*, White Plains, New York, International Arts and Sciences Press, 1976.
۱۰. دکتر کاظم معتمدزاد. «جهان سوم در راه استقرار نظم بین‌المللی نوین اطلاعات و ارتباطات»، مقدمه‌ای بر کتاب یک جهان، چندین صدا. ارتباطات در جامعه امروز و فردا. انتشارات سروش. ۱۳۶۹. صفحه ۱۱.
11. Robert L. Bledsoe and Boleslaw A. Boczek, *The International Law Dictionary*. 1987. Santa Barbara, California, Oxford, England. pp. 163-164.
12. Michael Schwellien. "CNN: Television for the Global Village. World Leaders Watch Each Other on the Tube." *World Press Review*. DEC 1990. p. 34.
13. *New York Times*. Fed 15. 1991, PA. 9
14. "The Media Rewrite, Review the Gulf War", *Los Angeles Times* March 7, 1991, P.E2.
15. Asu Aksoy and Kevin Robins, "Exterminating Angels: Morality, Violence and Technology in the GULF War", *Triumph of the Image, the Media's War in the Persian Gulf, A Global Perspective* P. 202. Westview Press 1992.
16. "We Will See the Real War. Pentagon Rules Would Restrict Press Coverage", *Newsweek*, Jan 14, 1991.
17. Jan Johnsen and Tomas Mathiesen, "A War in the name of Freedom", *the Nordic Review of Nordic Mass Communication Research*. No. 2. 1992, P. 4.
18. "Information" and Communication Technologies in Europe", Commission of the European Communities, Directorate General XIII, Telecommunications, Information Industries and Innovation. ECSC. EEC. EAEC. Brussels Luxembourg 1991, P. 8.